

# تندرهای عیدی

## عمو نوروز

جعفر ابراهیمی (شاهد)

روز

روز

روز اومد

باز عمو نوروز اومد

چی؟

چی؟

چی آورد؟

پارچه و قیچی آورد

چی کار کرد؟

لباس تازه‌ای دوخت

بعدش تن بهار کرد

## ماهی من

بابک نیک‌طلب

کاش بخره برای من بابایی  
نزدیک عید، یه ماهی طلایی

از همونا که صبح تا شب بیداره  
می‌چرخه، آرام و قرار نداره

کاشکی بیاد و مهمون ما بشه  
سفره‌ی هفت سین ما زیبا بشه

## قبوله؟

مریم هاشم پور

من توی فکر عیدم  
چی کار کنم خدایا  
دلَم می خواد که امسال  
عیدی بدم به بابا

آتل متل توتوله  
عیدی همیشه پوله  
من ولی پول ندارم  
بوسش کنم، قبوله؟

## کفش نو

مهری ماهوتی

باز شب عید رسیده  
بابام برام  
کفشای نو خریده

کفشای من  
به رنگ زرد شاده  
حیف که برام گشاده  
بابام می گه: مبارک  
بزرگ می شه  
این دو تا پای کوچک